Manifestations of differential penal policy towards child victims with a look at the Child and Adolescent Protection Law adopted in 2020

Bahram Jafari [1]

Abstract

Child victimization poses a dire threat to the most sensitive and important assets of society. Accordingly, in international documents and domestic laws, differential policies have been adopted to prevent victimization while limiting and eliminating its effects and preclude secondary child victimization. Using the library and descriptive method, the present study, with emphasis on the Child and Adolescent Protection Law, attempts to discuss the aspects of the differential policy approach aimed to protect child victims in the iranian legal system. The results indicate that there were scattered, yet inadequate, regulations protecting children in various substantive and formal aspects in the past; However, while developing the scope of differential protecting regulations, the enactment of the Child and Adolescent Protection Law in 2020 has provided considerable preventive and monitoring- oriented views, especially through making legal intervention in favor of children and adolescents that are at risk or victimization. It can be said that this law clearly factors in differential policies including determining several crimes and specific punishments aimed at protecting children and adolescents and considering special institutional, disciplinary and judicial organizations with the aim of managing, preventing and dealing with child victimization and limiting its effects.

1. Master of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Pardis Branch, Department of Criminal Law and Criminology, Tehran, Iran. Email: bahram.jaffari@yahoo.com

Original Article Received: 11 Feb 2020 Accepted: 24 Jun 2020

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

Keywords
Differential Policy, Criminal law, Children Victims, Children and Adolescents Protection Law

Please cite this article as: Jafari B. Manifestations of differential penal policy towards child victims with a look at the Child and Adolescent Protection Law adopted in 2020. Child Rights J 2020; 2(6): 65-88.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

جلوه های سیاست افتراقی کیفری در قبال کودکان بزه دیده با نگاهی به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹

بهرام جعفری[۱]

چکیده

بزه‌دیدگی کودکان، تهدیدی فرا روی حساس‌ترین و مهمترین سرمایه‌های جامعه به شمار می‌رود. بر این مبنا، در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها، سیاست‌های افتراقی برای پیشگیری از بزه‌دیدگی و تقلیل و رفع آثار آن و همچنین ممانعت از بزه‌دیدگی ثانویه کودکان اتخاذ گردیده است. در مقاله حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای-اسنادی و تحلیل توصیفی، تلاش شد تا جلوه‌های رویکرد سیاست افتراقی با هدف حمایت از کودکان بزه‌دیده در نظام حقوقی ایران با تأکید بر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تا پیش از این، مقررات پراکنده و ناکافی، در جنبه‌های مختلف ماهوی و شکلی حمایت‌هایی را برای کودکان مقرر می‌داشت لیکن با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، ضمن تعدد و توسعه دامنه مقررات حمایتی افتراقی، نگاه‌های پیشگیرانه و نظارت‌محور به ویژه از طریق مداخله قانونی در قبال اطفال و نوجوانانی که در وضعیت مخاطره‌آمیز و بزه‌دیدگی قرار دارند، افزایش یافته است. می‌توان گفت، این قانون، در هر دو جنبه ماهوی و شکلی، سیاست‌هایی افتراقی شامل تعیین جرایم مستقل و مجازات‌های اختصاصی با هدف حمایت از اطفال و نوجوانان و در نظر گرفتن تشکیلات نهادی، انتظامی و قضایی ویژه با هدف مدیریت، پیشگیری و مقابله با بزه‌دیدگی اطفال و کاستن از آثار آن را به وضوح مورد توجه قرار داده است.

---

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پردیس، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، ایران. Email: bahram.jaffari@yahoo.com

نوع مقاله: پژوهشی **تاریخ دریافت مقاله:** ۱۳۹۸/۱۱/۲۲ **تاریخ پذیرش مقاله:** ۱۳۹۹/۰۴/۰۴

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

واژگان کلیدی

سیاست افتراقی، حقوق کیفری، کودکان بزه‌دیده، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

مقدمه

مطالعات بزه‌دیده محور سه ضلع اصلی دارد، اول؛ شناخت حقوق بزه‌دیدگان و تاکید عام بر حقوق بزه‌دیده، دوم؛ تبیین روش‌های حمایت از آسیب‌دیدگان جرایم خاص مانند قاچاق انسان، جرایم جنسی، شکنجه و ... و سوم؛ تمرکز بر گروه های خاص آسیب‌پذیر نظیر افراد کم‌توان ذهنی، افراد سالخورده و اطفال.

همسو با مولفه‌های جرم‌شناختی بر پایه بازدارندگی اولیه و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه اطفال در پروسه کیفری، نگاهی افتراقی به اطفال بزه‌دیده به موازات اطفال بزهکار، کانون توجه بوده است. این ضرورت از آنجا نشأت می‌پذیرد که اطفال از آسیب‌پذیرترین و در عین حال حساس‌ترین اقشار جامعه بوده و حمایت ویژه از آنان بسیار لازم به نظر می‌رسد. قانونگذارن کیفری نیز به دنبال دستاوردهای جرم‌شناختی به سمت یک رویکرد ویژه و افتراقی در قابل بزه‌دیدگی کودکان و حمایت از اطفال، در ساحت‌های حقوق ماهوی و شکلی، متمایل گردیده‌اند.

از حیث ماهوی، رفتارهای متعددی که به لحاظ روانشناختی و جامعه‌شناختی سوء رفتار با اطفال تلقی می‌شود، جرم‌انگاری شده است. از جمله در نظام حقوقی داخلی با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و توسیع و ارتقاء آن در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مجموعه قوانینی که در حمایت از کودکان به صورت پراکنده به چشم می‌خورد، به نحو متمرکز و هدفمند به موقع تصویب رسید. در این قانون، علاوه بر ساحت ماهوی از حیث سازوکارهای شکلی نیز به طور افتراقی از اطفال حمایت به عمل آمده است.

در بُعد شکلی، دادرسی افتراقی اطفال امروزه به صورت گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفته است و سالهاست که کم و بیش مورد آزمون و خطا در نظام‌های حقوقی جهان است و پیشرفت‌های قابل توجهی نیز در این زمینه ملاحظه می‌شود هر چند که هنوز تا رسیدن به حد مطلوب فاصله قابل توجهی وجود دارد. دادرسی افتراقی اطفال بزه‌دیده از مرحله کشف جرم شروع شده و تا مرحله تحقیقات مقدماتی، صدور و اجرای حکم و

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

پس از آن ادامه می‌یابد. در قوانین داخلی به رغم برخی پیشرفت‌های تقنینی، کاستی‌های متعددی به ویژه در حوزه اجرا، در این مرحله وجود دارد.

اسناد بین المللی نیز به عنوان چراغ هدایتگر نظام‌های ملی، بر حقوق ویژه اطفال بزه‌دیده صحه گذارده‌اند. در این زمینه، برای نمونه، کنوانسیون حقوق کودک به حق طفل نسبت به مشارکت در فرایند رسیدگی و الزام دولت‌ها به شناخت، گزارش و درمان مواردی که فرد قربانی، طفل است، اشاره می‌نماید. همچنین کمک‌های روانی و مالی در راستای بازپروری اطفال قربانی و وظایف کشورها به منظور بازپروری جسمی کودک و در نتیجه جلوگیری از ورود آسیب به اطفال، مورد توجه قرار گرفته است و دول عضو کنوانسیون، ملزم به اجرای این قواعد و الزامات می‌باشند.

آمار فزاینده کودک‌آزاری و افزایش اخبار آن در جراید و مطبوعات در سالهای اخیر، نشان از وجود کاستی‌های فراوان در زمینه پیشگیری و حمایت از اطفال بزه‌دیده و کم توجهی به نیازهای اطفال دارد. در این حوزه بکارگیری روش‌های غیر حقوقی پیشگیرانه و روش‌های حقوقی نظیر جرم‌انگاری، کیفرگذاری و خسارت‌زدایی حمایتی در بستر دادرسی متناسب و منطبق با وضعیت اطفال، از اهمیتی بسزا در جنبه بازدارندگی و دفاع اجتماعی در قبال بزه‌دیدگی اطفال، برخوردار است.

در این مقاله، پس از بیان مفهوم و قلمرو سیاست افتراقی کیفری در قبال کودکان بزه‌دیده، رویکردِ قوانین داخلی در عرصه‌های مختلف جرم‌انگاری، کیفرگذاری و دادرسی افتراقی با هدف حمایت از اطفالی که آماج جرم قرار دارند، به ویژه با تمرکز بر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ که آخرین اراده تقنینی در نظام حقوقی داخلی در قبال طیف اطفال و نوجوانان به حساب می‌آید، مورد بحث و مطالعه قرار می‌گیرد.

مفهوم و قلمرو سیاست افتراقی کیفری در قبال کودکان بزه‌دیده

از دیدگاه جرم‌شناسی، طفل یا نوجوان، فردی است که شخصیت وی در حال شکل‌گیری است و در جریان اجتماعی‌شدن می‌باشد؛ در حالی که شخصیت بزرگسال

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

پیشتر شکل یافته و کمتر در خور تحول است (۱). در اسناد بین‌المللی و همچنین قوانین داخلی، رویکردهای مختلفی راجع به تبیین مفهوم کودک و نوجوان اتخاذ شده است که اغلب توجهات دائر مدار سن مسئولیت کیفری و رسیدگی اختصاصی به جرایم اطفال بزهکار است. البته رفته‌رفته رویکرد بزه‌دیده محوری در رابطه با اطفال نیز کانون توجه و تمرکز قرار گرفته است.

در نظام حقوقی داخلی، قوانین مختلفی چون قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار ۱۳۳۸، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اصلاحیه ۱۳۹۴، و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، با رویکردهای بعضاً متنوع به تعریف و ارائه ضابطه و تقسیم‌بندی پیرامون سنین مختلف کودک و نوجوان در حیطه مسئولیت کیفری، پرداخته‌اند.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، آخرین و منتظم‌ترین رویکرد را از خود نشان داده است و با تلفیق مبانی فقهی و الزامات اسناد بین‌المللی و ضرورت‌های اجتماعی، با تفکیک میان طفل (معیار بلوغ شرعی) و نوجوان (معیار ۱۸ سال کامل شمسی)، تمامی افرادی که به سن هجده سال تمام شمسی نرسیده‌اند (اطفال و نوجوانان) را زیر چتر حمایتی خود قرار می دهد.

لذا، سوژه بزه‌دیدگی کودکان که محل تأملات و تدابیر افتراقی در حوزه سیاست کیفری هستند را می‌توان کلیه افراد زیر ۱۸ سال شمسی در نظر گرفت.

با درک ضرورت اتخاذ سیاست افتراقی در قبال کودکان به واسطه موضع حساس و آسیب‌پذیری آن‌ها و نیز اهمیت سلامت کودکان در ارتقاء مولفه‌های توسعه‌یافتگی نظام‌های اجتماعی به ویژه در بلندمدت، رویکردهای حمایتی در چارچوب نظام حقوق کیفری به اشکال ذیل تجلی می یابد.

۱- حمایت های کیفری محض

این قسم از اقدامات و حمایت‌های افتراقی به دو دسته ماهوی و شکلی، تقسیم می‌شود:

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

الف- حمایت کیفری ماهوی: شامل جرم‌انگاری حمایتی و کیفرانگاری حمایتی. اصولاً «جرم‌انگاری حمایتی» مبتنی بر نوعی وضعیت آسیب‌شناسانه خاص بزه‌دیده است و عبارت است از «فرایندی که به موجب آن دولت فعل یا ترک فعل‌های آسیب‌زا و مضر به حال بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر را بر پایه وضعیت آسیب‌شناسانه خاص، ممنوع اعلام کرده و برای نقض آن ضمانت اجرا تعیین نماید» (۲). «جرم‌انگاری حمایتی» بر پایه این تعریف، همانطوری که دیگران هم اعتقاد دارند، به دو صورت امکان‌پذیر است. نخست، جرم‌انگاری فعل یا ترک فعل‌هایی که با توجه به وضعیت خاص اشخاص آسیب‌پذیر ارتکاب یابد. دیگری، کیفرانگاری حمایتی یا به تعبیری «تشدید مجازات»، که عبارت است از «پیش‌بینی کیفیات و عوامل مشدد مجازات» (۳).

ب- حمایت کیفری شکلی: این نوع حمایت در وهله اول، شامل حمایت‌های دادرسی و قضایی می‌شود و امتیازاتی را در بر می‌گیرد که بزه‌دیدگان بایستی در فرایند دادرسی کیفری (از زمان کشف جرم و اعلام بزه‌دیدگی تا رسیدگی و اجرای حکم و نیز جبران ضرر و زیان) از آنها بهره‌مند شوند؛ مانند رعایت احترام به منزلت بزه‌دیده، ارائه دیدگاه‌ها و نگرانی‌های بزه‌دیدگان، تأمین امنیت بزه‌دیده، آگاه‌سازی بزه‌دیده از حقوق خود، فراهم کردن ساز و کارهای جبران خسارت و...(۲).

در وهله بعدی باید از حمایت فراقضایی سخن به میان آورد که شامل آن دسته از حمایت‌های غیرحقوقی و غیرقضایی می‌شود که اغلب در قالب «سیاست جنایی مشارکتی» و بعضاً «سیاست جنایی تقنینی»، در مرحله پس از بزه‌دیدگی (البته در کنار فرایند دادرسی کیفری یا مرتبط با آن) بکار گرفته می‌شوند. این دسته از حمایت‌ها شامل طیف وسیعی از حمایت‌های پزشکی، حمایتهای عاطفی و حیثیتی، حقوقی، اجتماعی و مالی است و معمولاً توسط نهادها و گروه‌های مردمی و خودجوش به منظور حمایت از بزه‌دیدگان و جلوگیری از تشدید آلام و فشارهای وارده بر آنها صورت می‌گیرند.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

۲- حمایت های پیشگیرانه

این قسم از حمایت‌ها، شامل آن دسته از تدابیر و شیوه‌های غیرکیفری و غیر قهرآمیز می‌شود که در مرحله قبل از بزه‌دیدگی به منظور حذف یا خنثی سازی عوامل بزه‌دیده زا و یا تغییر موقعیت‌های آن در راستای حمایت ویژه از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر به کار گرفته می‌شوند. این نوع از شیوه‌های حمایتی را می‌توان به دو نوع «پیشگیری اجتماعی» و «پیشگیری وضعی» تقسیم نمود (۴).

با توجه به توضیحات فوق، سیاست کیفری افتراقی در قبال کودکان بزه‌دیده در مفهوم عام، عبارت است از مجموعه تدابیر ماهوی و شکلیِ حقوقی (برای مثال جرم-انگاری خاص و برخورداری از فرایند دادرسی و قضات ویژه منطبق با شرایط اطفال) و همچنین رویکردهای پیشگیرانه وضعی و اجتماعی (نظیر آموزش و فرهنگ‌سازی و یا تجهیز مراکز بالقوه جرم زا به ابزارهای نظارتی) و نیز سازوکارهای اصلاحی و بازپروری پساوضعی (نظیر ارائه خدمات بهداشتی، پزشکی، روان‌درمانی و حمایت‌های عاطفی و مالی از کودکان بزه‌دیده در فرایند بازتوانی روحی و اجتماعی).

در این معنا، قلمرو خاص سیاست‌های افتراقی کیفری راجع به اطفال بزه‌دیده مشتمل بر رویکردهای ماهوی و شکلی کیفری محض است. آنچه که این تحقیق به دنبال بررسی آن خواهد بود بیشتر همین سیاست‌های افتراقی ماهوی و شکلی است که با نگاهی به قانون اخیر التصویب حمایت از اطفال و نوجوانان، انجام می‌پذیرد.

جلوه های ماهوی سیاست افتراقی در قبال کودکان بزه‌دیده

در قبال کودکان بزه دیده دو رویکرد افتراقی ماهوی از نقش بسیار مهمی برخوردار هستند؛ نخست، بازاندیشی در مفهوم و قلمرو بزه دیدگی در جهت حمایت از اطفال و نوجوانان؛ و دوم، جرم‌انگاری مستقل و تشدید کیفرگزینی نسبت به جرایم علیه اطفال که به ویژه جنبه بازدارندگی را در جرایم علیه این طیف، تقویت می‌نماید. در ادامه

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

ضمن توضیح این دو رویکرد، رهیافت قانون حمایت از اطفال و نوجوانان را در این ارتباط مورد نقد و بررسی قرار می دهیم.

۱ـ توسیع مفهوم بزه‌دیدگی

اولین گام در حمایت از بزه‌دیدگی کودکان، بازشناسی و بازنگری در مفهوم و قلمرو بزه‌دیدگی، دانسته شده است. در این رویکرد اساساً واژه بزهکاری اطفال به واسطه نقصان ظرفیت مسئولیت کیفری و همچنین تأثیرگذاری عمده شرایط محیطی بر افراد کم سن و سال، نوعی چسباندن انگ بزهکار به آنان بوده و مورد انتقاد قرار می‌گیرد.

همچنین در نظریه های جدید، بزهکاری نوجوانان شکلی از ناسازگاری آنان انگاشته می‌شود که ناگزیر نباید صرفاً با ضمانت اجراهای کیفری به آن واکنش نشان داد؛ بلکه باید بکارگیری تدابیر اصلاحی و بازپرورانه را در پاسخ به آن در دستور کار خود قرار داد (۵).

با این نگاه، کودک و نوجوان در فرایند جرم صرف نظر از اینکه مرتکب عمل ناهنجاری شده باشد یا مجنی‌علیه صِرف باشد، قربانی است و باید به عنوان بزه‌دیده نگریسته شود. در این راستا، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشاء و هرزه نگاری کودکان مصوب ۲۰۰۰ با توجه به هدف اصلی از تصویب جهانی پروتکل که همان حمایت از کودک به عنوان بزه‌دیده مطلق و عدم جرم‌انگاری و شمول مجازات علیه او می‌باشد، نگرش بزه‌دیدگی مطلق را به کودکان داشته است (۶).

این در حالی است که با توجه به هدف اصلی از تصویب جهانی پروتکل که حمایت از کودک به عنوان بزه‌دیده مطلق و عدم جرم‌انگاری و شمول مجازات علیه او می‌باشد؛ نظام حقوقی داخلی در آخرین قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، همانند قوانین جزایی قبلی، با توجه به نگرش دوسویه «بزه‌کار ـ بزه‌دیده» در رفتارهای توأم با رضایت اشخاص بالغ زیر ۱۸ سال، آن‌ها را مشمول مجازات می‌داند و تنها تشدید مجازات را در مورد آنان منتفی می‌سازد (۶).

در واقع گرایش جهانی در مورد بزهکاری اطفال تلقی آن به عنوان رفتارهای ضد اجتماعی و ناهنجاری‌های فاقد وصف کیفری است که نیاز به درمان و جهت‌دهی درست

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

دارد چرا که برچسب بزهکار بر کودک و نوجوان می‌تواند پیامدهای جبران ناپذیری را بر شخصیت در حال شکل‌گیری او به همراه داشته باشد. با این حال در قوانین داخلی و آخرین مورد آنها (قانون حمایت از اطفال و نوجوانان)، هنوز بستر این نگرش فراهم نیامده است و به ویژه در مورد نوجوانانی که به سن بلوغ رسیده اند و زیر ۱۸ سال هستند، نگاه بزهکارمحور ترجیح دارد.

البته باید این نکته را اضافه کرد که در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، گرچه به مثابه سایر قوانین کیفری نگاه بزهکارباور نسبت به کودکان و نوجوانان کماکان باقی است اما موادی ملاحظه می‌شود که نشان از تعدیل رویه قانونگذار دارد. برای نمونه ماده ۴۸ قانون مزبور بیان می دارد: «در مواردی که طفل ناقض قوانین جزائی یا نوجوان بزهکار، بزه‌دیده نیز باشد، دادسرا یا دادگاه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان به جرائم ارتکابی علیه آنها نیز رسیدگی می‌کند؛ در صورتی که واحد مددکاری مرجع قضائی مزبور، طفل یا نوجوان را در معرض خطر تشخیص دهد، مکلف به اعلام موضوع به قاضی مربوط است». علاوه بر این، در ماده ۲۳ این قانون با نگاهی تخفیفی مقرر داشته است: «درصورتی که مرتکب جرائم موضوع این قانون نوجوان باشد، موارد تشدید مجازات نسبت به وی اعمال نمی‌شود».

۲ـ جرم‌انگاری و تشدید کیفر

سیاست افتراقی در قوانین، به صورت جرم‌انگاری‌های خاص در حوزه حقوق و آزادی‌های کودکان یا به صورت تشدید مجازات جرایم علیه آنان متجلی می‌گردد. چه اینکه حقوق کیفری به عنوان منعکس‌کننده ارزشهای بنیادین حاکم بر یک جامعه علاوه بر نقش آموزشی و فرهنگی که در تقبیح برخی رفتارها دارد می‌تواند به عنوان عاملی بازدارنده و پیشگیرانه در ارتکاب برخی رفتارها، ظاهر شود (۷).

بنابراین ذکر مستقل و مجزای جرایم علیه کودکان در کنار تشدید مجازات‌ها در قبال جرایمی که نسبت به آنان (در مقایسه با بزرگسالان) صورت می‌پذیرد، ضمن اینکه حمایت قاطع نظام حقوقی را از اطفال به تصویر می‌کشد و می‌تواند از تکرار جرم یا آثار سوء آن بکاهد، به واسطه جنبه ارعابی قوانین جزایی، نقش پیشگیرانه نیز خواهد داشت.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

یکی از نمونه‌های برجسته اتخاذ راهبرد افتراقی در قبال کودکان بزه‌دیده در سطح نظام بین‌المللی، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشاء و هرزه‌نگاری کودکان مصوب سال ۲۰۰۰ است. مجلس شورای اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۷۹ این پروتکل را به تصویب رساند. در ماده یک پروتکل مزبور، فروش، فحشاء و هرزه‌نگاری کودکان در کشورهای عضو ممنوع اعلام گردیده است و بنا به بند ب ماده ۲ این پروتکل فحشاء کودک به استفاده از کودک در فعالیت‌های جنسی به منظور سودجویی یا هر منظور دیگری اطلاق می‌شود و مطابق بند پ، هرزه‌نگاری کودک به هر گونه نمایش کودک درگیر در فعالیت‌های واقعی یا مشابه‌سازی شده آشکار جنسی، با هر وسیله یا هر گونه نمایش اندام جنسی کودک برای اهداف عمدتاً جنسی تعریف شده است (۸).

در حقوق داخلی، مواد ۶۱۹ و ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی کتاب تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، در زمره اولین مقررات قانونی افتراقی پیرامون اطفال به شمار می‌روند. پس از این نیز اقدامات متعدد تقنینی در قوانین عام و خاص در خصوص حمایت افتراقی از کودکان و نوجوانان قابل مشاهده است(۹).

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱، کلیه اشخاص زیر ۱۸ سال را مورد حمایت خود قرار داده و مصادیق مختلفی از بزه دیدگی اطفال را مطمح نظر قرار داد. این قانون به مثابه نخستین قانون حمایتی خاص ناظر بر کودکان و نوجوانان بزه دیده است. همچنین در تبصره ۱ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳، مقرر گردید که چنانچه فرد قاچاق‌شده کمتر از هجده سال تمام داشته باشد و عمل ارتکابی از مصادیق محاربه و افساد فی‌الارض نباشد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شود(۹).

نمایی دیگر از حمایت افتراقی نسبت به بزه‌دیدگان کودک در نظام داخلی را می‌توان در تبصره ۳ بند ب از ماده سه قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶، مشاهده نمود که ناظر است بر تعیین مجازات‌های تهیه و توزیع و تکثیر کنندگان نوارها و دیسکت‌ها و لوح‌های

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

فشرده‌شو و نمایش‌های مبتذل چنانچه از مصادیق افسادفی‌الارض نباشند؛ و ضمن آن مقرر شده است که استفاده از صغار برای نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر نوارها و لوح‌های فشرده غیرمجاز موضوع قانون موجب اعمال حداکثر مجازات‌های مقرر برای عامل خواهد بود.

حمایت‌های ماهوی افتراقی از کودکان بزه‌دیده در نظام داخلی به صورت محدود و گاهی پراکنده، به چشم می‌خورد، اما پس از تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، ضمن الغای قانون سال ۱۳۸۱ و نیز تبصره یک ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان (بر اساس ماده ۵۱ قانون سال ۱۳۹۹)، مقررات گسترده‌تری در خصوص حمایت جامع از کودکان و نوجوانان مطمح نظر قانونگذار قرار گرفت.

در این قانون با تمیز طفل (شخصی که به حد بلوغ شرعی نرسیده) و نوجوان (افراد زیر ۱۸ سال شمسی که به بلوغ شرعی رسیده‌اند) هر دو گروه، مشمول و در حمایت قانون قرار می‌گیرند. در قانون مصوب ۱۳۹۹، نگاه‌های پیشگیرانه و نظارت‌محور کاملاً مشهود است. مداخله قانونی در قبال اطفال و نوجوانانی که در وضعیت مخاطره قرار دارند (در معرض بزه‌دیدگی یا ورود خسارت به سلامت جسمی، روانی و ...) وفق ماده۳، در نظر گرفتن تشکیلات نهادی و انتظامی و قضایی ویژه در راستای پیشگیری و مقابله با بزه‌دیدگی اطفال و کاستن از آثار آن، که در فصول سوم و چهارم قانون مورد توجه قرار گرفته است و تبیین جرایم اختصاصی راجع به اطفال و مجازات‌های آن در فصل سوم، شایان توجه می‌باشند.

فصل سوم قانون در مورد جرایم و مجازات‌های اختصاصی، مقررات عدیده و مفصلی را بیان می‌دارد. برای مثال در ماده ۱۰ قانون، اشکال مختلف آزار و سوء استفاده جنسی از طفل و نوجوان مورد جرم‌انگاری و تعیین مجازات قرار گرفته است. در این ماده مصادیق مختلف آزارهای جنسی تماسی و غیرتماسی و هرزه نگاری و نیز آزارهایی که در فضای مجازی صورت می‌گیرد، مورد توجه بوده است. در این زمینه حتی شروع به برخی جرایم و داشتن قصد آن برای صدق عنوان مجرمانه و استحقاق مجازات برای مرتکب کافی است. از جمله بند ۹ به «برقراری ارتباط با طفل و نوجوان در فضای

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

مجازی به منظور هرگونه آزار جنسی یا ارتباط جنسی نامشروع» و کیفر مرتکب آن «به یکی از مجازات های درجه شش قانون مجازات اسلامی» تصریح دارد. بنابراین، صِرف هرگونه ارتباط‌گیری در فضای مجازی با طفل یا نوجوان به منظور آزار جنسی یا ارتباط جنسی نامشروع، جرم‌انگاری شده و مشمول مجازات قرار گرفته است.

مواردی دیگری چون ممانعت از تحصیل کودکان، فراری دادن کودکان از مدرسه یا خانه، بی‌توجهی و سهل‌انگاری والدین و سایر اشخاص در قبال اطفال و نوجوانان که منجر به ورود آسیب به آن‌ها شود، خرید و فروش و قاچاق کودکان و نوجوانان، فراهم آوردن موجبات خودکشی کودکان و نوجوانان، هر گونه بهره‌کشی اقتصادی از آنان، در اختیار قراردادن یا فروش مواد دخانی به اطفال و نوجوانان، امتناع از کمک رسانی یا اطلاع رسانی در مورد اطفال و نوجوانان در معرض جرم یا خطر شدید با لحاظ شرایط مندرج در قانون، افشای هویت اطفال و نوجوانان بزه‌دیده، را می‌توان محورهای اصلی جرم‌انگاری حمایتی و کیفرگزینی در قبال کودکان و نوجوانان در قانون مزبور تلقی نمود که در برخی موارد اعمال ارتکابی با تشدید و تغلیظ مجازات مواجه شده است.

برای نمونه، ماده ۱۴ قانون، بیان می‌دارد: «هرکس به هر نحو موجبات ارتکاب به خودکشی طفل یا نوجوان را فراهم آورد یا تسهیل کند و مشمول مقررات حد یا قصاص نشود، علاوه بر پرداخت دیه طبق مقررات، حسب مورد به ترتیب زیر مجازات می-شود...» و یا به عنوان مثالی دیگر ماده ۹ قانون مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر بی‌توجهی و سهل‌انگاری اشخاص غیر از والدین نسبت به اطفال و نوجوانان نتایج زیر واقع شود، مقصر علاوه بر پرداخت دیه به‌شرح زیر مجازات می شود ...».

جلوه‌های شکلی سیاست افتراقی در قبال کودکان بزه‌دیده

مراحل اعلام و کشف جرم، تحقیقات مقدماتی در دادسرا و همچنین آیین رسیدگی در دادگاه، حسب مورد می‌توانند به واسطه اتخاذ سیاست‌های حمایتی نسبت به گروه-های خاص از جمله اطفال و نوجوانان، با هدف تقلیل هزینه‌های رسیدگی کیفری و افزایش بهبود و بازاجتماعی شدن، رنگ و بوی ویژه و قواعد ممتازی بیابند.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

۱- مرحله اعلام و کشف جرم

گزارش بزه‌دیدگی در خصوص کودکان و نوجوانان از حساسیت بالایی برخوردار است، زیرا این دسته، به واسطه صدمه‌های مادی، معنوی و عاطفی، در موارد بسیاری ناتوان از اعلام وقوع جرم می‌باشند. همچنین بسیاری از کودک‌آزاری‌ها در محیط خانه و یا توسط نهادهای مراقبت از کودکان صورت می‌گیرد و بنابراین کسانی که باید حامی کودک باشند ممکن است وی را مورد آزار قرار دهند و در نتیجه مانع از آن گردند که مقامات ذیربط از این موضوع آگاه شوند (۱۰). کودکان بزه‌دیده نیز ممکن است بنا به برخی دلایل (به ویژه ترس و احساس ناامنی) تمایلی به شکایت و تعقیب کیفری مرتکب نداشته باشند. علاوه بر این، از جمله دلایل عدم اعلام جرم، بی‌اعتمادی بزه‌دیدگان نسبت به کارایی پلیس و مقامات قضایی می‌باشد، به این معنا که پلیس نمی‌خواهد و نمی‌تواند به آنها کمک کرده و مرتکب جرم را دستگیر کند.

قانونگذاران کشورهای مختلف برای حل این مسائل، به عنوان یکی از راهکارها در راستای کاهش رقم سیاه و افزایش موارد گزارش‌دهی به مقامات قضایی، به ساز و کار جرم‌انگاری برخی رفتارها در این عرصه متوسل شده‌اند. برای مثال، قانون گزارش‌دهی اجباری موارد سوء استفاده از اطفال در ایالات متحده، شامل پزشکان، نهادهای مراقبتی، مشاغل آموزشی، مشاغل حقوق و ماموران مجری قانون، سرویس‌های معاضدتی و عموم افراد جامعه می‌گردد (۱۱).

در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹، کودک‌آزاری جنبه عمومی یافته است و بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب است (ماده ۳۱). بر اساس ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اقامه دعوا از جنبه حیثیت عمومی بر عهده دادستان است. لذا هرگاه دادستان از وقوع کودک‌آزاری به هر نحو مطلع شود، ملزم به پیگیری پرونده می‌باشد (۱۰). همچنین، گزارش‌دهی اجباری و توأم با ضمانت اجرای کیفری در راستای حمایت از بزه‌دیدگان در ماده ۱۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مورد توجه قرار گرفته است. وفق این ماده، «هر کس از وقوع جرم یا شروع به آن یا خطر شدید و قریب‌الوقوع علیه طفل یا نوجوانی مطلع بوده یا شاهد وقوع آن باشد و با

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

وجود توانایی اعلام و گزارش به مقامات یا مراجع صلاحیتدار و کمک طلبیدن از آنها از این امر خودداری کند یا در صورت عدم دسترسی به این مقامات و مراجع و یا عدم تأثیر دخالت آنها در رفع تجاوز و خطر، از اقدامات فوری و متناسب برای جلوگیری از وقوع خطر و یا تشدید نتیجه آن امتناع کند، مشروط بر اینکه با این اقدام، خطری مشابه یا شدیدتر و یا خطر کمتر قابل توجهی متوجه خود او یا دیگران نشود، به یکی از مجازاتهای درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود». طبق تبصره این ماده، اگر فرد ناقض قانون از کسانی باشد که بر حسب وظیفه شغلی مکلف به اعلام، گزارش یا کمک می‌باشند و یا به اقتضای حرفه خود می‌توانند کمک مؤثری کنند، مجازات وی تشدید خواهد شد.

مسأله مهم دیگر، امکان طرح شکایت از سوی اطفال بزه‌دیده و اطلاع رسانی کافی به اطفال و نوجوانان در این زمینه، با هدف مقابله با موارد کودک‌آزاری یا سوء استفاده از کودکان است. امروزه بهره‌گیری هدفمند از وسایل ارتباطی، می‌تواند اطفال و نوجوانان را در این زمینه مساعدت نماید. همچنین، کلیه شهروندان باید بتوانند به صورت ناشناس و با احساس امنیت هر گونه موارد بزه‌دیدگی اطفال را گزارش نمایند. در این راستا، ماده ۳۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مقرر نموده است، «علاوه بر جهات قانونی برای شروع به تعقیب موضوع قانون آیین دادرسی کیفری، موارد زیر نیز از جهات قانونی برای شروع به تعقیب یا اتخاذ تدابیر حمایتی مقرر در این قانون می‌باشد: الف) تقاضای طفل و نوجوان؛ ب) گزارش‌ها و درخواستهای مکتوب یا شفاهی که هویت گزارش‌دهندگان و نویسندگان آنها مشخص نیست در صورتی که دارای قرائن معقول و متعارف باشد». ضمن اینکه، ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴ با اتخاذ راهبرد سیاست جنایی مشارکتی، به این مهم تصریح می‌نماید که سازمان‌های مردم نهاد که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان و ... است، می توانند نسبت به جرایم ارتکابی در زمینه مورد نظر اعلام جرم کنند و در تمامی مراحل دادرسی شرکت نمایند. در همین رابطه، ماده ۳۸ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان پس از تصریح به حق والدین، اولیاء، سرپرست قانونی و وکیل طفل و نوجوان و

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

همچنین یک مددکار اجتماعی، برای حضور در جلسه دادرسی و ارائه نظر مشورتی و پیشنهادهای حمایتی، مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند علاوه بر موارد ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ با اصلاحات بعدی از نماینده مطلع سازمان‌های مردم‌نهادی که دارای مجوز فعالیت در زمینه حقوق اطفال و نوجوانان هستند، برای حضور در جلسه دعوت کند».

مسأله مهم دیگر در فرایند کشف جرم، استفاده از پلیس تخصصی برای کودکان و نوجوانان است. در قوانین ایران، پیش از این، ضمن ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بکارگیری از ضابطان زن در حمایت از اطفال بزه‌دیده پیش‌بینی شده است. این ماده اشعار دارد:«در صورت امکان، بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود». این موضوع را می‌توان به عنوان یکی از جنبه‌های نوین افتراقی شدن دادرسی اطفال به حساب آورد که در صورت اجرای درست بسیاری از مشکلات موجود در ارتباط با فرآیند پلیسی را از بین می‌برد. در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مورد توجه قرار گرفته است (بند ب ماده۶ و ماده۸) و وظایف مهمی را در خصوص گزارش-دهی جرم، همکاری و تعامل با نهاد بهزیستی و مراجع قضایی و نیز ایجاد امنیت برای مددکاران اجتماعی حین اجرای وظایف محوله در مواقع نیاز، دارا می‌باشند.

۲- مرحله تحقیق و رسیدگی

تخصصی‌شدن فرایندها در مورد تعقیب و رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان یکی از اصول مهم شکلی سیاست افتراقی کیفری است. مراجع قضایی ویژه اطفال با قضات و کارشناسان مجرب، می‌تواند گام موثری در کاستن از آثار سوء قرارگیری در پروسه دادرسی کیفری برای بزه‌دیدگان در پی داشته باشد. در حقوق داخلی راجع به اطفال بزه‌دیده، این امر کمابیش و نه به قدر کفایت، مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، وفق ماده ۲۸ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، رئیس قوه قضائیه به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و به تناسب امکانات، ضرورت، تجربه، تبحر و سابقه قضات در هر حوزه قضائی شعبی از دادسرا و دادگاه کیفری و دادگاه خانواده را جهت رسیدگی

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

به جرائم و دعاوی موضوع قانون مزبور اختصاص خواهد داد. اختصاص این شعب مانع رسیدگی به سایر پرونده ها نیست.

در مرحله تعقیب جرایم علیه اطفال، دادستان یکی از اطراف دعوای کیفری است و در مقام مدعی با صدور کیفرخواست و با طرح دعوا علیه متهم مصمم است او را محاکمه کرده و در نهایت محکومیت کیفری متهم را به عنوان هدف اصلی در مرحله دادرسی دنبال کند. بر اساس ماده ۲۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در صورتی که عقیده دادستان و بازپرس بر جلب متهم به دادرسی باشد، دادستان ظرف دو روز با صدور کیفرخواست از طریق شعبه بازپرسی بلافاصله پرونده را به دادگاه صالح ارسال می‌کند. در جرایم علیه اطفال، برای حمایت بهتر و مفیدتر از حقوق آنها و جلوگیری از بزه‌دیدگی ثانویه لازم و ضروری است که دادستان یا نماینده قانونی او برای دفاع از کیفرخواست صادره در دادگاه حضور پیدا کرده تا وظیفه پر اهمیت و حیاتی حضور دادستان در دادگاه جنبه تشریفاتی به خود نگیرد.

مسأله بسیار مهم دیگر اتخاذ رویکردهای حمایتی در مورد کودکان در وضعیت خطرناک و بزه‌دیدگی است. در این خصوص، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ابتدائاً ضمن ماده ۳۳ بیان داشته است: «هرگاه خطر شدید و قریب الوقوعی طفل یا نوجوان را تهدید کند یا به سبب وضعیت مخاطره آمیز موضوع ماده (۳) این قانون وقوع جرم، محتمل باشد، مددکاران اجتماعی بهزیستی با واحد حمایت دادگستری و ضابطان دادگستری مکلفند فوری و در حدود وظایف و اختیارات قانونی، تدابیر و اقدامات لازم را در صورت امکان با مشارکت و همکاری والدین، اولیاء و یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان جهت رفع خطر، کاهش آسیب و پیشگیری از وقوع جرم انجام داده و در موارد ضروری وی را از محیط خطر دور کرده و با تشخیص و زیر نظر مددکار اجتماعی به مراکز بهزیستی یا سایر مراکز مربوط منتقل کنند و گزارش موضوع و اقدامات خود را حداکثر ظرف مدت دوازده ساعت به اطلاع دادستان برسانند»؛ سپس به موجب ماده ۳۵ چنین مقرر نموده است: «هرگاه دادستان پس از ملاحظه گزارش موضوع ماده (۳۳) یا از هر طریق دیگر اتخاذ تدابیر حمایتی موضوع این قانون را ضروری تشخیص دهد با

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

توجه به نوع و شدت خطر، کیفیت جرم و سوابق و وضعیت جسمی، روانی، اجتماعی و اخلاقی طفل یا نوجوان و والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی او، در صورت امکان با همکاری و توسط این اشخاص اقدام لازم را جهت رفع خطر انجام داده و در موارد ضروری پس از اخذ نظر مددکار اجتماعی بهزیستی و یا واحد حمایت دادگستری دستور موقت خروج طفل و نوجوان را از محیط خطر و انتقال او به مکانی مطمئن و امن مانند مراکز بهزیستی با سایر مراکز مرتبط و یا سپردن به شخص مورد اطمینان صادر و مراتب را حداکثر ظرف مدت پانزده روز جهت اتخاذ تصمیم مقتضی به دادگاه اعلام می‌کند».

در نهایت اگر حمایت و رعایت مصلحت طفل یا نوجوان در معرض خطر و بزه‌دیده، مستلزم اتخاذ تصمیم در خصوص حضانت، ولایت، قیمومت، سرپرستی، ملاقات، عزل ولی قهری، سپردن به خانواده جایگزین یا مراکز بهزیستی و یا سایر نهادها و مؤسسات اجتماعی، تربیتی، درمانی با بازپروری، نگهداری در مکانی مطمئن و امن و یا سپردن موقت به شخص مورد اطمینان دادگاه باشد، دادستان گزارشی در مورد وضعیت طفل و نوجوان و ادله ضرورت اتخاذ اقدامات مزبور تهیه و به دادگاه خانواده ارسال خواهد نمود (ماده۳۶). اگر دادگاه انجام موارد فوق را فوری تشخیص دهد، پیش از ورود به ماهیت دعوی و بدون اخذ تأمین، در این رابطه دستور موقت صادر خواهد نمود که باید فوراً اجرا شود (تبصره۲ ماده۳۶).

از دیگر راهبردهای افتراقی شکلی در مورد اطفال و نوجوانان بزه‌دیده، حین تحقیق و تعقیب و در زمان رسیدگی به پرونده در دادگاه، باید به مواردی چون تسهیل مشارکت بزه دیده در فرایند تحقیق، استفاده از متخصصان آموزش‌دیده در جریان تحقیقات مقدماتی و تعقیب جرم، بهره‌مندی اطفال از مشاوره و معاضدت‌های ویژه حقوقی، تشکیل پرونده شخصیت برای کودکان در معرض بزه یا بزه‌دیده، حفاظت و اعمال نظارت دقیق در مورد اطفال بزه‌دیده، ایمن‌سازی محل زیست کودک، استفاده از مددکار اجتماعی، فراهم‌آوردن امکان مشارکت غیرحضوری اطفال و نوجوانان در جلسات رسیدگی، حق شنیده‌شدن و بیان نگرانی‌ها، تمهید زمینه تربیت وکلای

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

تخصصی حوزه اطفال و نوجوانان با مشارکت کانون‌های وکلا، تسریع در رسیدگی به پرونده‌های مربوط به اطفال و نوجوانان، ایجاد راهکارهایی برای ایجاد احساس امنیت بزه‌دیدگان کودک و نوجوان در دادگاه و ... اشاره نمود.

در این میان بسیاری از موارد فوق در قوانین داخلی از جمله آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و به طور ویژه قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ ضمن مواد مختلف مورد پیش‌بینی قرار گرفته است و البته برخی موارد هم نظیر حق شنیده شدن و بیان نگرانی‌ها از سوی طفل، امکان مشارکت غیرحضوری (آنلاین) کودکان بزه-دیده برای کاستن از آسیب‌های مراجعه حضوری و مواجهه با بزهکار و قرار گرفتن در محیط‌های قضایی، و زمینه بهره‌گیری از وکلای تخصصی، مورد توجه قرار نگرفته یا اینکه به طور ناقص منظور گردیده است.

اما صرف نظر از تمام این‌ها، آنچه مهم می‌نماید این است که بتوان موارد مزبور و تحولات شایسته‌ای که در مقررات مرتبط با حمایت از حقوق کودکان در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ایجاد شده است، را در عمل به نحو مطلوبی به مرحله اجرایی درآورد و آنطور که هدف قانونگذار بوده است از حقوق اطفال و نوجوانان در معرض بزه یا بزه‌دیده، نهایت حمایت و پاسداری را به عمل آورد. مسأله ای که بیش از وضع قانون، نیازمند انسجام نهادهای مسئول، اجرای قاطع مقررات و نظارت و پایش مستمر وضعیت آنها می‌باشد.

نتیجه‌گیری

سیاست افتراقی کیفری با تأکید بر ملاحظات بزه‌دیده شناختی بر مبنای الزامات عام و خاص حمایتی برای قربانیان برخی جرایم و همچنین پشتیبانی از سوژه‌های ویژه و حساس، نظم و نضج می‌پذیرد. کودکان که در ادبیات حقوق داخلی با استفاده از معیار بلوغ می‌توانند به دو گروه اطفال و نوجوانان تقسیم شوند، از مهمترین طیف‌های نیازمند حمایت اختصاصی در نظام‌های حقوقی به شمار می‌روند که بر این مبنا اتخاذ سیاست‌های افتراقی چه در بعد ماهوی و چه در بعد شکلی برای آنان ضروری می‌شود.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها به ویژه کشورهای توسعه‌یافته، مسأله حفاظت از کودکان و نوجوانان در قبال بزه‌دیدگی و به طور خاص مقابله با بزه‌دیدگی ناشی از رفتارها یا جرایم ارتکابی، کانون توجه قرار گرفته است. برای مثال، در یک نمونه بین‌المللی، پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشاء و هرزه نگاری کودکان مصوب ۲۰۰۰ به حمایت همه‌جانبه از کودک به عنوان بزه‌دیده مطلق اهتمام داشته و ابزارهای افتراقی متعددی در این رابطه مدنظر داشته است.

در نظام داخلی نیز می‌توان گفت تا پیش از تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، جلوه هایی کمرنگ و پراکنده از اتخاذ سیاست‌های افتراقی در قبال کودکان بزه‌دیده در قوانین جزایی عام و خاص و مقررات دادرسی کیفری، قابل مشاهده بوده است. اما قانون اخیرالتصویب حمایت از اطفال و نوجوانان با تغلیظ نگاه نظارت‌محور و توسیع ابزارهای حمایتی در قبال بزه‌دیدگان، کاربست‌های ماهوی و شکلی عدیده‌ای را در مورد کودکان بزه‌دیده مورد توجه قرار می‌دهد. این قانون، از حیث ماهوی، به جرم-انگاری و کیفری‌گزینی مستقل پیرامون برخی اعمال ارتکابی علیه اطفال و نوجوانان پرداخته است و در فاز شکلی نیز با در نظر گرفتن نهادهای تخصصی رسیدگی به جرایم اطفال (پلیس اطفال، مددکاران اجتماعی، نیروهای آموزش‌دیده، شعب ویژه در دادسرا و دادگاه) و تلاش در جهت ایجاد هماهنگی میان نهاد قضایی با سایر نهادها، و نیز توجه به فرایندهای خاص مربوط به حل و فصل پرونده‌های اطفال و نوجوانان در مراحل تحقیق و دادرسی، گام های مثبتی در زمینه اتخاذ رویکرد افتراقی در قبال کودکان و نوجوانان، برداشته است.

با وجود این، اولاً به لحاظ ماهوی نگاه قانون به مقوله بزه دیدگی تا حدی محدود است چه این که در زمان حاضر استعمال واژه بزهکار در مورد کودک به واسطه عدم ظرفیت پذیرش مسئولیت کیفری مورد انتقاد است و باید اصل را بر بزه‌دیده بودن کودکان قرار داد ولو اینکه مرتکب ناهنجاری‌های اجتماعی شوند. این رویکرد از برچسب‌زنی نسبت به اطفال و نوجوانان جلوگیری می‌کند و در عین حال، آنان را از

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

تحمل مجازات‌های سخت به سمت اقدامات تأمینی و تربیتی سوق می‌دهد. از طرفی دیگر، صرف جرم‌انگاری اختصاصی پیرامون جرایم علیه اطفال و نوجوانان برای حمایت قاطع از بزه‌دیدگان کافی نیست بلکه باید شدت مجازات‌ها و اجرای صحیح آنها با اهداف سیاست‌های افتراقی، متناسب باشد که به نظر می‌رسد در برخی موارد این مسأله در قانون، لحاظ نشده است.

همچنین، به لحاظ شکلی و در مورد مراحل کشف، تحقیق و تعقیب و رسیدگی به جرایم، مقررات کنونی می‌تواند با توسعه و دقت نظر بیشتری همراه باشد؛ به ویژه در بعد کنترل و پیشگیری و ایجاد نظام نظارت مستمر و پایش وضعیت اطفال بزه‌دیده یا اطفالی که خطر بزه‌دیدگی در آنها وجود دارد، حمایت دقیق‌تری در این زمینه نیاز است. از طرف دیگر باید اذعان داشت که تحولات مثبت و نقاط قوت قانون مزبور تنها در صورتی سزاوار تحسین است که در فاز عملی، مقررات موضوعه با جدیت و قاطعیت و انسجام میان کلیه نهادها و دستگاه‌هایی که در آن مشخص شده‌اند، به مرحله اجرایی درآیند.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

References

1. Key Nia M. [Translation of Theoretical criminology]. Gasson R (Author). Tehran: Majd Publications; 1995. p. 231.

2. Raeijian Asli M. Supportive victimology. First Ed. Tehran: Justice Publications; 2005. P. 50-79.

3. Abachi M. Guidelines on substantive criminal law against child victims. Legal Journal of Justice 2005; 2(52-53):186.

4. Najafi Aberandabadi AH. Fair crime prevention. Criminal Science. First Ed. Tehran: Samt Publications; 2004. P. 580.

5. Raeijian Asli M. A new approach to the theoretical foundations of crime prevention. Legal Journal of Justice 2004; 3(48-49):138.

6. Nikbakhti J, Mohammad Nasl G, Golpayegani B. Comparative Study of Child and Adolescent Protection Law's against Pornography and Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child. Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2020; 14: 115-131.

7. Eslami R, Mirian S. Child sexual slavery and mechanisms to combat it in the international system of human rights and Iranian law. Journal of Criminal Law 2015; 1 (11): 7-36.

8. Yazdani YA, Zahedian MH. Differential criminal policy towards juvenile delinquency and sexual victimization in the Iranian legal system. Conference on New Scientific Research in Management, Accounting, Law and Social Sciences: December 2, 2017; Shiraz University, Ir.

9. Moazzen Zadegan HA. The Evolution of Criminal Laws to Protect Children and Adolescents in Iranian Law. Journal of Justice 2008; 72(62-63):15-40.

10. Saghian MM, Sadeghzadeh M. A Study of the Developments in the Rights of Child Victims and Adolescents in the Preliminary Investigation Stage in the Light of the Criminal Procedure Code 2013. Journal of Thoughts on Criminal Law 2015; 1 (1):83-106.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]

11. Ghanad F. Criminal Protection of Minors against Sexual Offenses in the Legal System of England and Wales. Master Thesis. Tehran: Beheshti University Law School; 1998. p. 40.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-01]